

تحلیل نگاره‌های دایه‌الأرض در نسخه‌های فالنامه دوره صفوی از منظر تاریخی

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۵۳-۱۳۷)

ناهید جعفری دهکردی^۱، باقر مختاری دزکی^۲

۱- استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۲- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

DOI: 10.22077/NIA.2025.9066.1931

چکیده

فالنامه‌ها در دوره صفوی، به‌ویژه در زمان شاه‌طهماسب، به‌عنوان ابزاری برای پیشگویی و آگاهی از آینده به کار می‌رفتند و نقشی مهم در پیوند دین، سیاست و فرهنگ عامه داشتند. این نگاره‌ها نه تنها پیام‌های مذهبی را منتقل می‌کردند؛ بلکه به پیشگویی آینده و شناخت سرنوشت نیز کمک می‌کردند. دایه‌الأرض به‌عنوان یکی از نشانه‌های قیامت در اسلام، در نگاره‌های اوایل دوره صفوی به‌گونه‌ای رمزگون و پیچیده به تصویر کشیده شده است. هدف این پژوهش شناسایی مفاهیم و نمادهای موجود در نگاره‌های دایه‌الأرض در فالنامه‌های صفوی است و این سؤال مطرح می‌شود که نگاره‌های دایه‌الأرض در نسخه‌های فالنامه دوره صفوی چه مفاهیمی را بازتاب می‌دهند؟ بر این اساس نگارندگان تلاش دارند با مطالعات اسنادی، از میان فالنامه‌های مصور دوره شاه‌طهماسب صفوی، چهار نگاره از دایه‌الأرض را در پرتو مطالعات کیفی، با روش توصیفی - تحلیلی بررسی کنند. روش پژوهش نیز مبتنی بر تحلیل محتوای بصری و متنی این آثار است که به‌ویژه بر رابطه میان نمادهای مذهبی و اسطوره‌ای در دینی‌سازی فرهنگ تصویری دوره صفوی تمرکز دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند در این آثار، دایه‌الأرض به‌عنوان موجودی با ویژگی‌های انسانی و حیوانی و نمادهایی چون عصای موسی و انگشتر سلیمان به تصویر کشیده شده است که براساس روایات شیعی به این موجود نسبت داده می‌شود؛ به عبارت دیگر، تصویر دایه‌الأرض در این آثار بازتابی از ترکیب باورهای شیعی و اهل سنت، به‌ویژه در دوران رشد و قدرت گرفتن اخباری‌گری در مقابل عقلانیت شیعی است. این نمادها در کنار دیگر ویژگی‌های بصری موجود در نگاره‌ها که بیشتر، از روایات اهل سنت متأثر هستند، تصویری از تهدید و نگرانی‌های دینی و اجتماعی آن زمان را به نمایش می‌گذارند.

واژه‌های کلیدی: دوره صفوی، فالنامه، روایات شیعه و اهل سنت، آخرالزمان، نگاره دایه‌الأرض.

1- Email: Nahid.Jafari@sku.ac.ir

2- Email: Bagher.mokhtari@sku.ac.ir

مقدمه

در لغت‌نامه، فال به معنای طالع، شگون، بخت، پیش‌بینی و غیب‌گویی است؛ همچنین در برخی فرهنگ‌های فارسی، به مفهوم «مبارک» و «خجسته» نیز آمده است؛ از این‌رو، در فرهنگ ایرانی، فال بیشتر به عنوان «طلب خجستگی و برکت» تلقی می‌شود. با این حال، فال به دلیل ارتباط آن با نیروهای مابعدالطبیعه، پیوندی با باورهای دینی پیدا می‌کند. این ارتباط نه فقط به دلیل طلب برکت، بلکه به این علت است که دین همیشه مهم‌ترین راه ارتباط انسان با ماوراء بوده است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۰). برخی پژوهشگران خاستگاه پیشگویی را به تمدن میان‌رودان نسبت داده‌اند (گل‌سرخ، ۱۳۷۷: ۲۷). از جمله قدیمی‌ترین شیوه‌های فال‌گیری می‌توان به «ای چینگ» در چین، فال بودایی در هند، تاروت در اروپا و روش‌های مختلف پیشگویی در ایران، مانند فال اعداد، حروف ابجد، تفأل با نخود، قهوه، چای و رمل (فال با تاس) اشاره کرد (سیپک، ۱۳۹۳: ۹۴). در میان آریایی‌ها نیز روش‌های گوناگونی برای پیشگویی و فال‌گیری رایج بوده است. در ایران، فال‌گیری با ابزارهایی مانند ستارگان، کتاب‌ها، تاس (در رمل)، استخوان شانه گوسفند (کتف)، جداول و دوایر (در جفر)، کف دست آدمی، گیاهان، جانوران و نخود انجام می‌شد (افشار، ۱۳۸۳: ۷۶). فال‌نامه‌ها شامل متونی به نثر و نظم یا تصاویری نمادین هستند که از طریق تفسیر آن‌ها، فرد می‌تواند به خوب یا بدبودن نیت خود پی ببرد (پوراکبر، ۱۳۹۶: ۷). این متون عموماً براساس باورهای مذهبی و اسطوره‌ای نوشته می‌شدند.

شاه اسماعیل اول بنیان‌گذار سلسله صفوی، در سال ۹۰۷ ه.ق. / ۱۵۰۱ م. حکومت صفوی را تأسیس کرد و تشیع دوازده‌امامی را به عنوان مذهب رسمی ایران اعلام نمود. او با فتوحات گسترده، از جمله پیروزی بر ازبکان در خراسان و شکست دادن آق‌قویونلوها، قلمرو خود را تثبیت کرد. «صفویان وارث سنت‌های هنری دربار تیموریان هرات بودند. شاه اسماعیل اول پس از شکست ازبکان در سال ۹۱۶ ه.ق. خراسان را به امپراتوری خود ضمیمه کرد و هرات را به عنوان دومین شهر مهم امپراتوری برگزید. او کمال‌الدین بهزاد، نقاش برجسته مکتب هرات را به تبریز برد و در سال ۹۲۸ ه.ق. به

ریاست کتابخانه سلطنتی منصوب کرد. این کتابخانه بیشتر یک کارگاه هنری تحت نظر شاه بود که در آن نسخه‌های نفیس با خوش‌نویسی، تذهیب، تصویرگری و صحافی تولید می‌شد» (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۴). در کنار متون ادبی و تاریخی، بسیاری از نسخ مذهبی و عرفانی نیز با تزئینات فاخر در دوره صفوی تولید شدند که از جمله آن‌ها فال‌نامه‌های مصور هستند. این فال‌نامه‌ها مجموعه‌ای از پیشگویی‌ها و تفاسیر عرفانی را دربرمی‌گرفتند و با نگاره‌های هنری زیبا تزئین می‌شدند. این آثار نه تنها جنبه پیشگویی و تصمیم‌گیری داشتند؛ بلکه به دلیل تصویرسازی‌های غنی و استادانه، نمونه‌ای درخشان از هنر کتاب‌آرایی صفوی محسوب می‌شوند و در دربار صفوی محبوبیت ویژه‌ای داشتند. این آثار علاوه بر استفاده در پیشگویی و آگاهی از آینده، نمایان‌گر پیوندهای پیچیده میان دین، سیاست و فرهنگ عمومی آن دوره هستند.

این مقاله به بررسی چهار نگاره مرتبط با دایة‌الأرض در نسخه‌های فال‌نامه دوره صفوی می‌پردازد و به تحلیل تصاویر نمادین و مفاهیم مذهبی و فرهنگی موجود در این آثار خواهد پرداخت. جستار حاضر می‌تواند به تکمیل شکاف‌های مطالعات تاریخی، دینی، فرهنگی و هنری در خصوص دوره صفوی کمک کند و زمینه‌های جدیدی را برای درک بهتر روابط دینی و اجتماعی آن زمان فراهم آورد. هدف این مقاله شناسایی مفاهیم نمادین، عناصر بصری و تأثیرات مذهبی و فرهنگی بر بازنمایی این موجود در نگاره‌های فال‌نامه است. پرسش اصلی این است که نگاره‌های دایة‌الأرض در نسخه‌های فال‌نامه دوره صفوی چه مفاهیمی را بازتاب می‌دهند؟

بر این اساس ابتدا منابع مختلف تاریخی، دینی و هنری جمع‌آوری شدند؛ سپس نگاره‌هایی از دایة‌الأرض در نسخه‌های فال‌نامه دوره شاه طهماسب، انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت؛ همچنین، تأثیرات تصاویر دایة‌الأرض در روایات مختلف و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن زمان براساس متون شیعی و اهل سنت بررسی شد. این روند به درک بهتر ارتباطات دینی، اجتماعی و هنری دوره صفوی و مفاهیم نهفته در نگاره‌ها کمک کرد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. در این مطالعه، از میان تصاویر موجود در فالنامه‌های اوایل دوره صفوی، چهار نگاره به صورت هدفمند انتخاب و تحلیل کیفی بر روی آن‌ها انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی و با استفاده از ابزارهایی چون برگه شناسه، اسکنر و رایانه گردآوری و سپس مفاهیم بصری و نمادین نگاره‌ها بررسی می‌شود. تحلیل‌ها با روش تحلیل محتوای بصری و متنی انجام می‌شود تا ارتباط مفاهیم مذهبی و فرهنگی در این آثار روشن شود.

پیشینه تحقیق

مطالعات نشان می‌دهد تاکنون پژوهش مستقلی به صورت جامع و متمرکز درباره نگاره‌های فالنامه‌های اوایل دوره صفوی انجام نشده است. با این حال، بحث و بررسی درباره مصداق «دابة الأرض» در برخی مقالات هنری و متون تفسیری و دینی مورد توجه قرار گرفته است. از میان این موارد می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

واحد دهکردی و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل گروتسک در نگاره دابة الأرض فالنامه‌ها براساس رویکرد باختین» نشان می‌دهند که مشخصه‌هایی مانند وحشت و خنده، اغراق، ناهنجاری و ناهماهنگی در این نگاره برجسته‌اند. همچنین، عناصر باختینی همچون ناتمامی بدن، حس مرگ، مسخ، تضاد و دوگانگی و درهم آمیختگی در پیکره دابة الأرض قابل تشخیص است که نمونه‌ای شاخص از بدن گروتسک^۱ است که ویژگی‌های چندبعدی این سبک را بازتاب می‌دهد. رحیم‌لو و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «واکاوی مصداق "دابة" در آیه ۸۲ نمل، برپایه شیوه زبانی تجرید»، با بهره‌گیری از روش تحلیل زبانی «تجرید»، به این نتیجه رسیده‌اند که واژه «دابة» در این آیه، درواقع استعاره‌ای برای «زمین آگاه» در قیامت است. این خوانش تأویلی، زمینه تازه‌ای را برای تفسیر نمادین نگاره‌های دابة الأرض در فالنامه‌های مصور فراهم می‌کند. زاهدی‌فر و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی و نقد روایات اهل سنت درباره دابة الارض»، با تحلیل سندی، محتوایی و دلالتی روایات مربوط به دابة در منابع اهل سنت، نشان داده‌اند که اکثر این

روایات دچار ضعف سندی، تعارض محتوایی و تأثیرپذیری از اسرائیلیات هستند. نویسندگان با تکیه بر شواهد درون‌متنی، احتمال داده‌اند که «دابة الارض» در این روایات ناظر به شخصیتی چون امام مهدی (ع) باشد. این رویکرد، خوانشی انتقادی نسبت به منابع اهل سنت ارائه می‌دهد و به فهم نشانه‌شناختی این مفهوم در هنر اسلامی نیز جهت می‌بخشد. از میان پایان‌نامه‌ها نیز می‌توان به «تأثیر تفکر شیعی بر فالنامه‌های مصور دوره اول صفوی» از عصار کاشانی (۱۳۹۳) اشاره کرد که به بررسی نگاره‌هایی از دابة الأرض پرداخته است. وی دو نگاره از دابة الأرض (فالنامه سلطان احمد و توقاپی) را به تفکر شیعی مرتبط می‌داند. درمقابل، نگاره دیگری را که در همان موزه توقاپی قرار دارد، از تخیل خود بهره برده و تصاویر شخصی و ذهنی هنرمند را در فرایند تصویرسازی دخیل دانسته است. آنچه این نوشتار را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، تأکید بر مصادیق دابة الأرض و تأثیر روایت‌های شیعی و اهل سنت در شکل‌گیری این نگاره‌ها در اوایل دوره صفوی است.

زمینه‌های شکل‌گیری فالنامه‌ها در دوره صفوی

فالنامه‌ها تنها متونی برای سرگرمی یا پیشگویی فردی نبودند، بلکه در بسترهای دینی، اجتماعی و سیاسی عصر صفوی پدید آمدند. این آثار بازتابی از ذهنیت مردم و حاکمان بودند و شکل‌گیری و رواج آن‌ها را باید در پیوند با چند زمینه مهم بررسی کرد:

۱. زمینه دینی و اعتقادی

الف: اسلام و پیشگویی: بررسی نسخه‌های کتاب‌های مذهبی در فرهنگ اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. از اواخر قرن چهاردهم تا نوزدهم میلادی، در هند و ایران، نسخه‌های خطی قرآن شامل صفحاتی برای پیشگویی یا فالنامه قرآنی بودند (De La Perrière, 2016). مردم از فالنامه‌ها برای تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی خود، مانند ازدواج، سرمایه‌گذاری، یا آگاهی از وضعیت دوستان غایب، استفاده می‌کردند (Parikh, 2022:9). هر صفحه از این آثار شامل یک نقاشی در سمت راست و متنی به زبان‌های فارسی و عربی در سمت چپ بود؛ به گونه‌ای که

و برای نخستین بار شیعیان را به دو دسته «اخباری» و «مجتهد» تقسیم کرد. ویژگی اصلی این جریان، توجه افراطی به روایات موجود در منابع حدیثی بود؛ بی‌آنکه صحت سند، اعتبار صدور یا تحلیل محتوایی آن‌ها بررسی شود (بحرانی، بی‌تا: ۱۱۷).

۲. (ذاکری، ۱۳۷۷؛ راوندی، ۱۳۵۴؛ جعفریان، ۱۳۹۸).

۲. زمینه اجتماعی و سیاسی

پدید آمدن فالنامه‌ها در عصر صفوی تنها به باورهای دینی محدود نبود؛ بلکه شرایط اجتماعی و سیاسی نیز در شکل‌گیری آن‌ها نقش مؤثری داشت:

الف: تحکیم مشروعیت حکومت صفویان: شاهان صفوی برای تقویت مشروعیت خود از نمادهای مذهبی و غیبی بهره می‌بردند (بوذری و ایران‌پور، ۱۴۰۱: ۶۳-۶۲). فالنامه‌ها که معمولاً پیشگویی‌های مثبتی درباره قدرت الهی حکومت داشتند، در این زمینه نقش مؤثری ایفا کردند.

ب: نیاز جامعه به امید و پیشگویی: آغاز حکومت صفوی، دوران انتقال از آشفتگی‌های پیشین به یک حکومت مرکزی قوی بود. فالنامه‌ها به عنوان ابزاری فرهنگی به نیاز مردم برای راهنمایی و امید در این دوران پرچالش پاسخ می‌دادند (کوربن و استرلین، ۱۳۷۷: ۳۳۶).

دائبة الأرض در منظومه معارف اسلامی

یکی از نشانه‌هایی که در مورد اتفاقات آخرالزمان به آن توجه شده است، خروج دائبة الأرض است. مستند اصلی خروج دائبة الأرض را می‌توان به آیه ۸۲ سوره نمل نسبت داد: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَائِبَةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ». در این آیه به خروج جنبنده‌ای از زمین اشاره شده است: «و هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا] وعده عذاب ما بر آنان حتمی و لازم شود، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با آنان سخن می‌گوید [تا به آیات ما و آخرت و اصول آن یقین کنند]؛ زیرا مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند». پیامبر اسلام (ص) نیز در حدیثی می‌فرماید: «ناگزیر، ده چیز پیش از قیامت رخ خواهد داد: سفیانی، دجال، دود، دابه، خروج قائم، طلوع خورشید

خوانندگان ابتدا تصویر را می‌دیدند و سپس توضیح مرتبط را مطالعه می‌کردند. روش استخاره نیز به این صورت بود که افراد پس از وضوگرفتن و خواندن دعاهایی از قرآن، به‌طور تصادفی کتاب را در صفحه‌ای می‌گشودند (Ibid: 17). با این حال، تفسیر فالنامه‌ها همیشه یکسان نبود؛ ممکن بود یک رویداد در نسخه‌ای به عنوان نشانه‌ای از اقبال نیک و در نسخه‌ای دیگر، به عنوان پیشگویی‌ای ناخوشایند قلمداد شود (Parikh, 2022: 23).

ب: تصوف و عرفان: در آغاز حکومت صفوی، گرایش‌های صوفیانه در جامعه به‌طور گسترده‌ای رایج بود (کوربن و استرلین، ۱۳۷۷: ۳۳۶). این گرایش‌ها به فالنامه‌ها مشروعیت بخشیدند؛ زیرا باور داشتند که پیام‌های الهی از طریق نشانه‌ها و نمادها قابل کشف هستند. برخی باوردارند که آغاز طریقت صفویه با زندگی و فعالیت‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی گره خورده است (سیوری، ۱۳۸۹: ۶).

ج. شکل مذهبی صفویان: مورخان نسبت خاندان صفوی را با بیست واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. از زمان فیروزشاه زرین کلاه، مقر اصلی این خاندان در اردبیل بوده است. اعضای این خاندان اهل علم و تقوی بودند و به ارشاد مردم می‌پرداختند، که باعث جلب توجه و ازدواج با اشراف و قدرتمندان شد و بدین‌گونه اهمیت سیاسی یافتند. طبق شجره‌نامه‌ای که محمدعارف اسپناچچی پاشازاده آورده، شاه اسماعیل صفوی از نسل محمد معروف به حمزه، فرزند امام موسی کاظم (ع) است (۱۳۷۹: ۲۱؛ اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷). صفویان از ابتدا مذهب تشیع را به عنوان پایه هویتی حکومت خود قرار دادند. در پی آن، فالنامه‌ها نیز رنگ و بوی شیعی به خود گرفتند و مضامینی چون اهل بیت، قیامت و نشانه‌های مذهبی در آن‌ها برجسته شد.

۱. د: نهضت اخباری‌گری: در دوره صفویه، جریانی درون گفتمان شیعی شکل گرفت که به «اخباری‌گری» شهرت یافت. بنیان‌گذار این رویکرد، میرزا محمدامین استرآبادی بود که برای اجرای دستورهای دینی صرفاً بر اساس کتاب و سنت، و به دور از دلایل عقلی و استنباط‌های اجتهادی، تلاش بسیاری کرد. او علمای اصولی را گمراه و بدعت‌گذار می‌نامید

همچون شیخ طوسی، طبرسی و علامه طباطبایی در مورد مصداق دایة الأرض سکوت کرده‌اند و به این روایات اعتماد نکرده‌اند (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۱۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۶۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۳۹۶).

مکارم شیرازی در تفسیر نمونه نظرات مختلفی درخصوص دایة الأرض را در دو تفسیر عمده جمع‌بندی می‌کند:

۱. گروهی دایة الأرض را موجودی جاندار و جنبه‌ای غیرعادی از غیر جنس انسان، با شکلی عجیب می‌دانند که در آخرالزمان ظاهر می‌شود، از کفر و ایمان سخن می‌گوید و منافقین را رسوا می‌کند.

۲. گروهی دیگر، براساس روایات متعدد، او را انسانی فوق‌العاده، متحرک و فعال می‌دانند که یکی از وظایف اصلی‌اش جداسازی صفوف مسلمانان از منافقین است. در برخی روایات آمده است که عصای موسی و خاتم سلیمان همراه اوست که عصای موسی نماد قدرت و معجزات و خاتم سلیمان نماد حکمرانی و سلطه الهی است؛ از این‌رو، او انسانی قدرتمند و افشاگر است (۱۳۶۲، ج ۱۵: ۵۴۷).

در روایات اهل سنت دایة الأرض به‌گونه‌ای متفاوت از آنچه در روایات شیعی بیان شده است، معرفی می‌شود. در این روایات، دایة الأرض موجودی عجیب‌الخلقه با ویژگی‌های خاص توصیف شده است و تطبیق این موجود با امام‌علی (ع) به‌شدت رد و تکذیب می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵ ق. ۲، ج ۲: ۲۱؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ ق. ۵، ج ۵: ۲۶۶).

معرفی نسخ مصور فالنامه در دوره صفوی

از فالنامه‌های دوره صفوی، تنها چهار نسخه مهم باقی مانده که در میان درباریان و مردم عادی رواج داشته است. این آثار با تصاویر پیامبران، قهرمانان، دیوها و نشانه‌های منطقه البروج، از ارزش تاریخی و هنری بالایی برخوردارند. فالنامه‌های مصور نه تنها جلوه‌ای از هنر صفوی هستند؛ بلکه علاقه حاکمان آن دوره به پیشگویی‌های مصور را نیز نشان می‌دهند. این چهار نسخه عبارتند از: فالنامه‌های پراکنده طهماسبی، فالنامه موزه تویقایی سرای، فالنامه کتابخانه درسدن و فالنامه ترکی سلطان احمد اول (عصار کاشانی، ۱۳۹۳: ۷۶).

از مغرب، نزول عیسی بن مریم، خسف به مشرق، خسف به جزیره العرب و آتشی که از قعر عدن خارج می‌شود و مردم را به سوی محشر می‌برد» (شیخ طوسی، ۱۳۸۱: ۴۳۶).

در ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن، براساس روایاتی که در مورد آیه صادر شده، از خروج دایة الأرض به‌عنوان یکی از اتفاقات قبل از قیامت (اشراط الساعة) و علائم ظهور منجی و در برخی موارد به‌عنوان یکی از مصادیق و مستندات رجعت نام برده شده است.

مصداق دایة الأرض

درخصوص مصداق دایة الأرض، میان مفسران شیعه و اهل سنت اختلافات قابل توجهی وجود دارد. در برخی از روایات شیعه، مصداق دایة الأرض امام‌علی (ع) معرفی شده است؛ درحالی‌که برخی دیگر موجودی دیگر را به‌عنوان مصداق مطرح کرده‌اند. در میان اهل سنت نیز نظرات متفاوتی در این زمینه وجود دارد که به آن‌ها اشاره خواهد شد. هرچند تمرکز اصلی این پژوهش بر تبیین مصداق دایة الأرض نیست و پژوهش‌های جداگانه‌ای در این خصوص صورت گرفته است؛ اما به‌منظور ورود به بحث و بیان نشانه‌هایی که در روایات به آن اشاره شده، به این موضوع پرداخته می‌شود.

در مجامع حدیثی متقدم شیعه، روایات فراوانی در تبیین مصداق دایة الأرض وجود دارد. در الکافی، یک حدیث (شیخ کلینی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۹۷)، در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، چهار حدیث (۱۴۰۴ ق. ۱، ج ۱: ۱۹۸؛ ج ۲: ۱۳۱-۱۳۰ و ۴۰۰-۳۰۳ و ۳۱۲؛ ج ۷: ۴۵؛ ج ۸: ۲۵۶؛ ج ۹: ۲۰۴)، چهل حدیث (با حذف مکررات) در مورد مصداق دایة الأرض آمده است. در تأویل آیات الظاهرة نیز پنج حدیث (استرآبادی، ۱۴۰۹ ق. ۴۰۰) به این موضوع پرداخته است. تقریباً تمامی این روایات، امام‌علی (ع) را به‌عنوان مصداق دایة الأرض ذکر می‌کنند؛ هرچند برخی روایات مصداق‌های عام‌تری را نیز مطرح کرده‌اند.

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود ذیل آیه فوق می‌نویسد: «بر طبق اخباری که از طریق اصحاب ما نقل شده، دایة الأرض کنایه از حضرت مهدی صاحب‌الزمان (عج) است» (۱۴۰۸ ق. ۱۵: ۷۵؛ لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۴۴۲). با این حال، مفسرانی

الف. فالنامه طهماسبی (پراکنده)

فالنامه‌های پراکنده که در برخی منابع با عنوان فالنامه‌های طهماسبی نیز از آن‌ها یاد می‌شود، از جمله کهن‌ترین نمونه‌های باقی‌مانده از این نوع آثار به شمار می‌آیند. این نام‌گذاری به این دلیل به کار رفته است که تاکنون ۲۸ نگاره از این نسخه، شناسایی شده که به صورت پراکنده در مجموعه‌های مختلف در سراسر جهان نگهداری می‌شوند؛ از جمله این مجموعه‌ها می‌توان به گالری آرتور ام. ساکلی، موزه برلین، کتابخانه چستربیتی در دوبلین، موزه هنر متروپولیتن، موزه لوور و موزه هنر ورسستر در ایالات متحده اشاره کرد (Parikh, 2022: 17). براساس شواهد موجود، تدوین نسخه فالنامه پراکنده احتمالاً در سال ۹۴۷ هـ.ق / ۱۵۴۰ م. آغاز شده و در سال ۹۵۷ هـ.ق / ۱۵۵۰ م. به پایان رسیده است (Farhad & Bagci, 2010: 45؛ Falk, 1985: 92). این دوره زمانی با تحولات سیاسی و نظامی مهمی در ایران صفوی هم‌زمان بود و همچنین جامعه ایرانی در آستانه ورود به سال ۱۰۰۰ هجری قرار داشت؛ دورانی که نگرانی‌ها و باورهای پیرامون وقایع آخرالزمانی در میان مردم رایج بود (Parikh, 2022: 9, 33). طبق گزارش‌ها، ابعاد تقریبی هر برگ از این نسخه بین ۴۲ تا ۴۵ سانتی‌متر بوده است (Farhad, 2010: 43).

ب. فالنامه درسدن

درسدن نسخه‌ای از فالنامه است که به شماره دسترسی Dresd.Eb.445 در کتابخانه درسدن آلمان نگهداری می‌شود. «این اثر که تاریخ کتابت و تصویرگری آن احتمالاً به اواسط تا اواخر قرن ۱۰ هـ. / ۱۶ م. می‌رسد، به زعم پژوهشگران توسط هنرمندان دربار کتاب‌آرایی شاه طهماسب نگاشته و نگاریده شده است» (پوراکبر، ۱۳۹۶: ۲۴). تعداد اوراق نسخه به ۱۱۲ برگ می‌رسد که از میان آن‌ها ۵۱ برگ مصور، ۵۱ برگ متن و ۱ برگ ساده دارد. «ابعاد این اوراق بین ۴۸/۵ × ۳۶ تا ۴۸ × ۶۶ سانتی‌متر متفاوت است؛ احتمالاً برخی از صفحات این نسخه بزرگ‌تر از ابعاد حاضر بوده‌اند؛ چراکه شواهد نشان می‌دهد حواشی و اطراف برخی از اوراق نسخه آسیب‌دیدگی و ریزش داشته و تحت مرمت قرار گرفته‌اند» (همان: ۲۶).

ج. فالنامه احمدشاه

در دوران شاه طهماسب، توجه ویژه‌ای به تصویرسازی متون مذهبی مانند فالنامه رواج یافت. این آثار، در سرزمین‌های همسایه، از جمله عثمانی، مورد توجه قرار گرفتند؛ از این رو، تفأل به فالنامه‌ها ابتدا در ایران و سپس در عثمانی رایج شد. حتی وزیر سلطان احمد اول، قلندرپاشا، فرمان تدوین نسخه‌ای مصور از این اثر را برای تقدیم به پادشاه صادر کرد (عصار کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۶۸). نسخه ترکی فالنامه به سلطان احمد اول تعلق دارد که در اوایل قرن ۱۷ م. تهیه شده است. این نسخه شامل ۵۹ صفحه دورو است (56, 23 Parikh, 2022) و در حاضر در موزه توپقاپی نگهداری می‌شود.

د. فالنامه کتابخانه توپقاپی

فالنامه فارسی کتابخانه توپقاپی یکی از نسخه‌های ارزشمند فالنامه‌های مصور بوده که به احتمال زیاد در دربار شاه طهماسب یا به دست هنرمندان ایرانی در عثمانی تدوین شده است. تصاویر ۲ و ۳ متعلق به این نسخه خطی هستند. «با توجه به شرایط تاریخی، پس از تسلط شاه طهماسب بر امور حکومتی، توجه او به هنر کاهش یافت. درگذشت هنرمندان برجسته‌ای چون بهزاد و سلطان محمد، همراه با افول کتابخانه سلطنتی، موجب شد که بسیاری از هنرمندان از حمایت دربار محروم شوند؛ در نتیجه، برخی از آنان به امپراتوری عثمانی مهاجرت کرده و در شکل‌گیری نسخه‌هایی چون فالنامه توپقاپی‌سرای نقش داشتند» (آژند، ۱۳۷۹: ۲۳). «این نسخه از فالنامه، که در حال حاضر در کتابخانه توپقاپی‌سرای استانبول نگهداری می‌شود، با ۵۹ نگاره، یکی از بزرگ‌ترین نسخه‌های مصور فالنامه محسوب می‌شود. متن و تصاویر آن به‌شکلی هماهنگ در یک مجموعه گردآوری شده‌اند. براساس نشانی که در صفحه آغازین این نسخه دیده می‌شود، احتمالاً پیش از دوره سلطنت سلطان احمد سوم، به مجموعه سلطنتی عثمانی راه یافته است. جلد خرمایی مایل به قرمز آن مربوط به دوران حکومت سلطان عبدالحمید دوم است و ممکن است در همین دوره، برخی از صفحات آن دوباره حاشیه‌نگاری شده باشند. مشابه سایر نسخه‌های فالنامه، در این اثر نیز تصاویر و متون فال در صفحات

مجاور یکدیگر قرار گرفته‌اند» (Farhad & Bagci, 2009: 53).

توصیف ظاهری دایة‌الارض در روایات و تصاویر

شمایل و سیمای ظاهری دایة‌الارض، همانند مصداق آن، در روایات با اختلافات فراوانی بیان شده است. گاهی به توصیف ظاهر و جسم دایة‌الارض پرداخته می‌شود و گاهی نیز به اشیا و ملزوماتی که با آن همراه است. به عنوان نمونه، در حدیثی از پیامبر (ص) در توصیف دایة‌الارض آمده است: «او به قدری نیرومند است که هیچ کس به او نمی‌رسد و کسی نمی‌تواند از دست او فرار کند. در پیشانی مؤمن علامتی می‌گذارد و می‌نویسد مؤمن و در پیشانی کافر علامتی می‌گذارد و می‌نویسد کافر. با او عصای موسی و انگشتر سلیمان است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۳۴).

هرچند در روایات شیعه نیز نشانه‌ها و علائمی برای دایة‌الارض ذکر شده است، مانند همراه داشتن برخی ابزار و ادوات مانند عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان؛ اما در توصیف چهره دایة‌الارض اطلاعات خاصی وجود ندارد. در برخی از تفاسیر روایی اهل سنت، توصیف‌هایی از ظاهر دایة‌الارض آمده است: سرش همچون سر گاو، چشمش چون چشم خوک، گوشش چون گوش فیل، شاخش مانند شاخ گاو کوهی، رنگش رنگ پلنگ، گردنش چون گردن شترمرغ، سینه‌اش چون سینه شیر، پهلوی‌اش چون پهلوی یوز، دمش چون دم قوچ و پاهایش مانند پاهای شتر است. بین هر مفصلش دوازده ذراع فاصله است. او به شکل دشنه بزرگ است و از هر رنگی در او موجود است. بین دو چشمش یک فرسخ فاصله است. دارای دم و پر است. صورتی همچون انسان دارد و منقاری شبیه منقار پرندگان؛ همچنین دارای پشم و پر است و عصای موسی و خاتم سلیمان با اوست. طول او به هفتاد ذراع می‌رسد و دارای کرک و چندین پاست؛ یا اینکه ممکن است ازدهایی باشد که بر دیوار کعبه مشرف است و در هنگام تجدید بنای کعبه توسط قریش، عقابی او را ربود. طبق روایت دیگری، صدای دابه مانند صدای الاغ است (جلال‌الدین السیوطی، بی‌تا، ج ۵: ۱۱۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق.، ج ۷: ۲۲۴؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق.، ج ۳: ۸۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴: ۲۳۵؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۶۶۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق.: ۲۹۲۵).

این توصیفات، نمونه‌هایی از ویژگی‌های دایة‌الارض در کتب اهل سنت هستند. البته، طبق گواهی خود عالمان اهل سنت، بیشتر این احادیث ضعف سندی دارند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۶۶۷). در مجموع، نشانه‌های مطرح شده برای دایة‌الارض در تفاسیر اهل سنت، بیشتر به افسانه‌های موهوم و خرافی شباهت دارد و به عبارتی می‌توان گفت که این‌ها اسرائیلیات هستند که در مجامع حدیثی اهل سنت وارد شده‌اند.

در نگاره‌های مرتبط با آخرالزمان در نسخ فالنامه‌های اوایل دوره صفوی، دایة‌الارض موجودی شگفت‌انگیز و هراس‌آور، مرکب از ویژگی‌های انسانی و حیوانی تصویر شده است: چهره‌اش انسانی است؛ اما با شاخ‌هایی که از سرش بیرون زده، با نیش‌های برآمده و موهایی که از جاهای غیرمنتظره‌ای مانند بینی بیرون آمده‌اند، حالتی بیگانه و فراطبیعی پیدا کرده است. بدنش با پرهای درخشان و رنگارنگ پوشیده شده، پاهایش شبیه پنجه‌های حیوانات درنده است و دمش با تزئیناتی عجیب آراسته شده که او را موجودی میان دو جهان، انسانی و غیرانسانی، به نمایش می‌گذارد. گاهی نیز تاجی بر سر این موجود قرار گرفته است که بر جایگاه ویژه و نمادین او تأکید دارد. در بیشتر این نگاره‌ها، عصای حضرت موسی در دست راست دایة‌الارض دیده می‌شود؛ نمادی از قدرت الهی و معجزه. در دست دیگر او انگشتر سلیمان قرار دارد که نشانه‌ای از تسلط بر نیروهای ماورایی و قضاوت است. این ویژگی‌ها به وضوح نشان می‌دهند که دایة‌الارض آمده است تا میان مؤمنان و کافران جدایی بیندازد. گاهی گردنبندی نیز به گردن او آویخته شده که زنگوله‌ها و نقش‌ونگارهای آن، حالتی از شرارت و نیرویی رازآلود را به تصویر می‌کشند. فضای اطراف این موجود با جزئیات چشمگیری طراحی شده است. گل‌ها، گیاهان و پس‌زمینه‌هایی با رنگ‌های بنفش و طلایی، هم زیبایی و لطافت صحنه را افزایش داده‌اند و هم تضادی عمیق با ظاهر ترسناک دایة‌الارض ایجاد کرده‌اند. در برخی نگاره‌ها، ابرهای موج‌دار و کوه‌های بلند در پس‌زمینه به چشم می‌خورند که این موجود را در فضایی میان زمین و آسمان قرار می‌دهند. همچنین گاهی انسان‌نماهای مطرود و موجودات عجیب دیگری در کنار او دیده می‌شوند که به عذاب و سرنوشت شوم

کسانی که با دایه‌الارض روبه‌رو می‌شوند، اشاره دارند. از ترکیبی از منابع حدیثی گاه متضاد، تصورات عامیانه، و ابتکارات هنری دوره است. جدول ۱ به دسته‌بندی این مؤلفه‌ها، با تفکیک مبنای روایی (شیعه، سنی یا مشترک) و نوع بازتاب آن در نگاره‌ها، اختصاص یافته است.

جدول ۱. مؤلفه‌های روایی مؤثر بر بازنمایی نگاره‌ای دایه‌الارض در نسخه‌های فالنامه دوره صفوی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

تأثیر در نگاره‌های فالنامه	مبنای روایی (شیعه / اهل سنت / مشترک)	مؤلفه‌تصویری / مفهومی در نگاره‌ها
نشان قدرت الهی، قضاوت و جداسازی مؤمن از کافر	مشترک (در هر دو مذهب دیده می‌شود)	ابزار همراه (عصای موسی، انگشتر سلیمان)
نمایش موجودی فراطبیعی، برزخی بین انسان و حیوان	اهل سنت (توصیف‌های ترکیبی متعدد از سر گاو، بدن پلنگ و...)	چهره انسانی با بدن حیوانی / ترکیبی
توجیه روایی برای نمایش او به‌عنوان داور آخرالزمانی با ابزار قضاوت	حدیث پیامبر (مشترک)	نقش دایه در داوری و نشانه‌گذاری
فضاسازی هول‌انگیز، ایجاد حس ترس و عظمت غیرطبیعی	روایات اهل سنت (غیرمعتبر و اسرائیلیاتی)	ابعاد هیولایی و اغراق‌شده
نشانه‌های نمادین جایگاه ویژه و رمزآلود؛ تزئینی برای ایجاد حس سلطه و ابهام	بدون پشتوانه مشخص در متون؛ افزوده‌های تصویری دوره صفوی	تاج، گردنبند، زنگوله‌ها، تزئینات خاص
تأکید بصری بر پیامدهای مواجهه با دایه برای گناهکاران	الهام‌گرفته از نقش داوری و عذاب دایه در روز قیامت	موجودات مطرود در اطراف / فضای عذاب‌آور
برجسته‌سازی تضاد خیر و شر، زیبایی و وحشت	فاقد ریشه روایی؛ ساختار هنری فالنامه‌ها	رنگ‌ها، گل‌ها، پس‌زمینه‌های متضاد

تحلیل ویژگی‌های بصری و نمادین نگاره‌های دایه‌الارض

دوره صفوی

با نگاهی به نسخه‌های موجود فال‌نامه‌های صفوی، می‌توان چهار نگاره مستقل از دایه‌الارض را شناسایی کرد که هر یک، با بهره‌گیری از ویژگی‌های بصری خاص و نشانه‌های نمادین، به بازنمایی این موجود آخرالزمانی پرداخته‌اند. این تصاویر نه تنها در سبک ترسیمی و تزئینی متفاوتند؛ بلکه در زمینه‌های مفهومی و دلالت‌های فرهنگی نیز وجوه متمایزی از این پدیده دینی را به نمایش می‌گذارند.



تصویر ۱. دایه‌الارض، فالنامه درسدن، احتمالاً ایران، حدود قرن ۱۰ هـ.ق. / ۱۱ م. آبرنگ و طلا روی کاغذ، آلمان، ۳۶/۵×۴۸ سانتی‌متر، کتابخانه درسدن (URL1)

کافر اعطا می‌شوند. در پس‌زمینه، چهره‌هایی وحشت‌زده دیده می‌شوند که از دل زمین سر برآورده‌اند؛ همراه با پیکره‌های اغراق‌شده، گرازهای دندان‌نمای درنده با اندام‌هایی غیرطبیعی، همچون پاهای عضلانی و دم باریک که همگی نمادهایی از نیروهای شر و آشوب کیهانی‌اند. این عناصر تصویری، در کنار حضور چهره‌های فروتن و متامل، نوعی تقابل نمادین میان خیر و شر را به تصویر می‌کشند؛ تقابلی که در روایات اسلامی، به‌ویژه در منابع اهل سنت، در ارتباط با دایة‌الأرض مورد تأکید قرار گرفته است. این تصویر با بهره‌گیری از زبان نمادین غنی، مفاهیم آخرالزمانی، قدرت نبوی و داوری الهی را در قالبی تصویری و تأثیرگذار به نمایش می‌گذارد. ویژگی‌های تصویری این نگاره، از جمله بدن پلنگین، تقارن پرها، نمادهای نبوی در دستان دایه، و مواجهه نیروهای متضاد در پس‌زمینه، در جدول ۲ به تفصیل طبقه‌بندی شده‌اند.

در نگاره تصویر ۱ که متعلق به نسخه‌ای از فالنامه درسدن است، دایة‌الأرض با هیئتی نیمه‌انسان و نیمه‌حیوان به تصویر درآمده؛ موجودی اسطوره‌ای با قدی بلند، بدنی پوشیده از پوست پلنگ، گردنی شترگونه، و شانه‌هایی با پوشش پر که در ترکیب با پاهای عضلانی، جلوه‌ای رعب‌آور و ماورائی یافته است. این شمایل بصری با توصیف‌های روایی اهل سنت از دایة‌الأرض هم‌خوانی دارد؛ به‌ویژه در خصوص تناقض و تضاد در ویژگی‌های جسمانی این موجود. بال‌های رنگین و متقارن، به رنگ‌های قرمز و آبی، به‌مثابه نمادهایی از دوگانگی قدرت‌های الهی - خیر و شر، هدایت و عذاب - جلوه می‌کنند؛ دوگانگی‌ای که در متون روایی نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته است. عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان در دستان دایه، نشانه‌هایی روشن از قدرت نبوی و مشروعیت الهی هستند؛ ابزارهایی که طبق روایات اسلامی، به دایة‌الأرض برای داوری میان مؤمن و

جدول ۲. مشخصات نگاره دایة‌الأرض از فالنامه کتابخانه درسدن براساس متون شیعی و اهل سنت (نگارندگان، ۱۴۰۴)

جزئیات بصری و نمادین نگاره		شیعی	سنی
سر و صورت	چهره‌ای انسان‌نما با پوستی تیره، با کلاه آبی که بخشی از آن دیده می‌شود و روی آن، تاجی مکلل سوار شده است. این موجود گردنی به‌سان شترمرغ دارد و پوشش زیر گلو به‌شکل موهایی ضخیم و پرپشت به تصویر کشیده شده که در ناحیه قفسه سینه و گردن کشیده شده است. این طراحی می‌تواند برگرفته از ارتباط شخصیت با طبیعت و حیوانات باشد.	-	*
	بال‌های متقارن از دو رنگ عمده آبی و قرمز تشکیل شده‌اند؛ این رنگ‌بندی می‌تواند نمادی از قدرت‌های متضاد یا ویژگی‌های دوگانه شخصیت باشد. بدن نیمه‌انسان و نیمه‌حیوانی، با بخش‌هایی مانند شانه نیز از پر پوشیده شده است. این موجود دامن کوتاه نارنجی‌رنگ بر تن دارد. رنگ سفید بال‌تنه با خال‌های سیاه، حس تضاد و هیبت را ایجاد می‌کند. این ویژگی به‌شکلی که بدن انسان‌نما را با جنبه‌های حیوانی ترکیب کرده است، ماهیت دوگانه دایة‌الأرض را نشان می‌دهد. ناف به‌شکل دایره‌ای کوچک و برجسته در مرکز شکم طراحی شده. این جزئیات کوچک، اما مشخص، نشان‌دهنده توجه هنرمند به آناتومی انسان در ترکیب با ویژگی‌های فراطبیعی موجود است.	-	*
	دم و پاها	-	*
انگشتر	عصا	*	*
	انگشتر	*	*
طبیعت	در قسمت بالای نگاره، کوه‌هایی با خطوط نرم با الوان قهوه‌ای و سبز طراحی شده‌اند. آسمان نیز از رنگ طلاکاری پر شده است. در سطح پایین‌تر تصویر، علف‌ها و گیاهانی ساده و کوچک با رنگ سبز کم‌رنگ طراحی شده‌اند.	-	-
	سایر موجودات	*	*

تحلیل تصویر ۲. دابة الارض فالنامه سلطان احمد اول



تصویر ۲. دابة الارض، فالنامه سلطان احمد اول، احتمالاً ایران، حدود دهه ۹۸۷ ه.ق. / ۱۵۸۰ م. آبرنگ و طلا روی کاغذ، ابعاد: ۳۶×۴۹ سانتی متر، استانبول، موزه توبقاپی (Farhad & Bagci 2009: 187)

در این نگاره، دابة الارض، به‌ویژه با ویژگی‌هایی که در توصیف‌های اهل سنت از موجودات شرور و شیطانی آمده است، تطابق دارد. هیکل بلند و بزرگ آن، مشابه توصیف‌های اهل سنت از موجودات شیطانی است که نماد قدرت و تهدید است؛ همچنین، گردن‌بند اژدهایی که بر گردن موجود قرار دارد، به قدرت‌های تاریک و افسانه‌ای اشاره دارد. «اژدها در اسطوره‌های ایران باستان موجودی اهریمنی و بدکار است. در اوستا، با نام خرفستر از آن یاد شده و به‌عنوان یکی از پدیده‌های اهریمنی شناخته می‌شود» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۶).

چهره انسان‌نما با پوست پر، بدن خالدار ببری، شاخ‌های طلایی کنگره‌دار و دم پرمایند، همچنین به ویژگی‌های افسانه‌ای و قدرت‌های تاریک در روایات اهل سنت شبیه است. در عین حال، عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان که در دست دابة الارض در تصویر دیده می‌شوند، با مفاهیم شیعی و اهل سنت مرتبط هستند. تمام این عناصر و ویژگی‌های بصری (از شمایل دابة تا جزئیات موجود در پس‌زمینه) در جدول ۳ به‌صورت جزئی و طبقه‌بندی شده آمده است.

جدول ۳. مشخصات نگاره دابة الارض از فالنامه سلطان احمد اول براساس متون شیعی و اهل سنت (نگارندگان، ۱۴۰۴)

سنی	شیعی	جزئیات بصری و نمادین نگاره	سر و صورت	بدن	زینورالات	عصا	انگشتر	پس‌زمینه
*	-	چهره‌ای انسان‌نما با پوستی روشن دارد و موهای سفیدی که به سمت بالا حرکت می‌کنند، نمادی از ارتباط با نیروهای آسمانی است. شاخ‌های طلایی کنگره‌دار با تقارن منحنی، تجسم قدرت و فرمانروایی شیطانی هستند؛ درحالی‌که سبیل‌های پیچیده و بلند، نمادی از اقتدار و شخصیت آمرانه این موجود به شمار می‌آیند. دهان کوچک و بسته، بر انتقال هیبت و قدرت از طریق حضور بصری تأکید دارد. دندان‌ها نیز به‌سان زوئین هستند.						
*	-	سمت داخلی بال‌ها به رنگ قرمز روشن و پویاست که اشاره به انرژی، تهدید یا اهمیت این موجود دارد. لبه‌های بیرونی بال‌ها با طراحی آبی و سفید، علاوه بر ایجاد تعادل بصری، ارتباطی با مفاهیم ماورایی یا آسمانی برقرار می‌کنند. دم پردار که شبیه گل ختایی است و پنجه‌هایی مانند گربه‌سانان به همراه جزئیات روی پاها، نشان‌دهنده ارتباط آن با جنبه‌های زمینی است.						
*	-	در اینجا، زنگوله می‌تواند نقش اعلام خطر یا هشدار برای وقوع اتفاقات بزرگ، نظیر قیامت را ایفا کند. اژدها به‌عنوان نمادی از قدرت تاریک یا موجودات افسانه‌ای خطرناک شناخته می‌شود. استفاده از آن در گردن‌بند، ارتباط آن با نیروهای ماورایی و هشداردهنده را نیز تقویت می‌کند. گوشواره‌های دابة الارض در این نگاره بلند و چندبخشی هستند؛ به‌گونه‌ای که با حرکت، صدایی خاص ایجاد می‌کنند. این ویژگی بر جنبه رازآلود و ماورائی این موجود افزوده و بر شکوه و هیبت آن تأکید دارد. پابندها، نماد اسارت یا اتصال به جهان فانی هستند. طلایی‌بودن این عناصر به جلال و قدرت نیز اشاره دارد.						
*	*	در دست راست دابة الارض، عصای حضرت موسی دیده می‌شود که نمایان‌گر ابزار هدایت مؤمنان است.						
*	*	دست چپ دابة الارض، انگشتر سلیمان بالا رفته است که به جداکردن مؤمنان از کافران اشاره دارد.						
-	-	فضای پس‌زمینه همراه با گل‌های مختلف، تضادی میان جنبه‌های زیبا و وحشت‌آور این موجود ایجاد و مفهومی از توازن الهی میان خیر و شر را القا می‌کند. بخش کوچکی از ابرها نیز مزین به الوان قرمز، زرد و لاجوردی هستند.						

تحلیل تصویر ۳. دابة الارض فالنامه کتابخانه تویقایی



تصویر ۳. دابة الارض، فالنامه کتابخانه تویقایی، احتمالاً ایران، حدود دهه ۹۷۷ هـ.ق. / ۱۵۷۰ م. آبرنگ و طلا روی کاغذ، استانبول، موزه تویقایی (Farhad & Bagci 2009: 188)

در این نگاره، دابة الارض با بدنی مرکب از ویژگی‌های حیوانی و نمادین بازنمایی شده است؛ گردنی شبیه شتر، پاهایی شبیه چهارپایان، بدنی خالدار چون ببر، و شانه‌ها و دم پوشیده از پره‌های رنگین، که یادآور توصیفات است که عمدتاً در منابع تفسیری اهل سنت درباره این موجود آمده است. این تنوع هیأتی، اشاره به ماهیت فرامرزی، رعب‌آور و داورگونه این موجود دارد. در هر دو دست دابة، نشانه‌های قدرتمند الهی دیده می‌شود: عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان. این دو شیء، در روایات مشترک شیعی و اهل سنت، نشان‌دهنده مشروعیت الهی و کارکرد داوری نهایی هستند و حضور آن‌ها در این نگاره به‌وضوح تأکیدی است بر قدرت فردانیوی این موجود. با این حال، مهم‌ترین شاخص شیعی این تصویر، کتیبه‌ای است که مستقیماً به امام‌زمان (عج) اشاره دارد؛ عنصری که نگاره را به‌روشنی در زمینه تفسیری شیعی قرار می‌دهد و نقش دابة الارض را نه صرفاً موجودی ترسناک؛ بلکه نشانه‌ای از ظهور و تحقق عدالت نهایی می‌سازد. این ویژگی‌ها و عناصر نمادین، در جدول ۴ به تفصیل طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

جدول ۴. مشخصات نگاره دابة الارض از فالنامه کتابخانه تویقایی براساس متون شیعی و اهل سنت (نگارندگان، ۱۴۰۴)

سنی	شیعی	جزئیات بصری و نمادین نگاره	سر و صورت	بدن	عصا	انگشتر	طبیعت	سایر موجودات	کتیبه
*	-	چهره‌ای انسان‌نما با پوستی روشن و مویی بلند و پرپشت که به سمت بالا حالت گرفته و نمایان‌گر قدرت یا ویژگی ماورایی دابة الارض است. کلاه قرمزی که بخشی از آن دیده می‌شود، با پره‌های طلایی‌رنگی که احتمالاً نشانی از تاج است، از اهمیت یا نقش سلطه این موجود خبر می‌دهند. گردن این اثر بی‌شبهت به شتر نیست و پوشش زیر گلو به‌شکل موهایی ضخیم و پرپشت است که در ناحیه قفسه سینه و گردن کشیده شده‌اند.							
*	-	این موجود با دامن قرمز و کوتاه، دارای دو بال و بدنی نیمه‌انسانی است؛ با شانه‌هایی پوشیده از پر. پوست سفیدش با خال‌های سیاه ببرگون، جلوه‌ای هیبت‌انگیز به آن بخشیده است. ناف کوچک و برجسته‌ای در مرکز شکمش دیده می‌شود که بیانگر دقت هنرمند در ترکیب آناتومی انسانی با ویژگی‌های فراطبیعی است. دم رنگارنگ و پرزرق‌وبرق آن، شبیه به دم طاووس، از بدنش آویزان است. پاهای این موجود به‌شکل چهارپایانی چون شتر، طراحی شده و ظاهری نیرومند به آن بخشیده‌اند.							
*	*	در دست راست دابة الارض، عصای حضرت موسی دیده می‌شود که نمایانگر ابزار هدایت مؤمنان است.							
*	*	دست چپ دابة الارض، انگشتر سلیمان بالا رفته است که به جد کردن مؤمنان از کافران اشاره دارد.							
-	-	فضای پس‌زمینه شامل کوه‌های مرتفع در بخش فوقانی نگاره است که حس ثبات و جاودانگی را القا می‌کنند. ابرهای سفید و خاکستری در زمینه لاجوردی در بخش بالای نگاره، حس آسمانی و ماورائی را تقویت کرده‌اند. نقوش گیاهی پایین نگاره، شامل گل‌ها و گیاهان با رنگ‌های قرمز، زرد و سبز هستند.							
*	*	موجودات عجیب‌الخلقه حیرت‌زده پس‌زمینه با ژست انگشت‌به‌دهان، نمادی از شگفتی و سردرگمی در برابر ظاهر دابة الارض هستند. این حالت، هم نمایانگر واکنش عمومی به پدیده‌ای ماورایی است و هم مخاطب انسانی را به تأمل درباره پیام نمادین این موجود فرا می‌خواند.							
-	*	ان الذین آمنوا و عمل الصالحات صدق الله تعالی شد وقت آنکه غلغله در عالم اوفتد / از کوس کبریای تو یا صاحب الزمان / ایمن ز شرفتنه دجال کی شود / کس جز بالتجای تو یا صاحب الزمان							

تحلیل تصویر ۴. فالنامه کتابخانه تویقایی



تصویر ۴. دایة الأرض، فالنامه کتابخانه تویقایی، احتمالاً ایران، دوره صفوی، حدود دهه ۹۷۷ ه.ق. / ۱۵۷۰ م. آبرنگ و طلا روی کاغذ، استانبول، ابعاد: ۳۵×۵۶ سانتی متر، موزه تویقایی (Farhad & Bagci, 2009: 189)

و پوشش بالاتنه انسانی و دست‌های انسانی، ارتباط این موجود را با انسان‌ها نشان می‌دهد؛ درحالی‌که هیکل درشت آن و ویژگی‌های فراطبیعی‌اش با انسان فرق دارد. پایین‌تنه که از پره‌های پرندگان و پشم تشکیل شده، ترکیب زیبایی و تهدید را ایجاد می‌کند. این ویژگی‌ها، به‌ویژه پرها و ریش‌های شترمرغ، از جنبه‌های اسطوره‌ای و روایات اهل سنت دایة الأرض تأثیر گرفته‌اند. دایة الأرض عصای حضرت موسی را در دست راست و انگشتر سلیمان را در دست چپ دارد. این نمادها در هر دو روایت شیعی و اهل سنت به‌عنوان نشانگر قدرت‌های الهی و هدایت مؤمنان و جداسازی مؤمنان از کافران به کار می‌روند. کلاه آبی بر سر و تاج برگرفته از برگ‌های طلایی، نماد ارتباط ماورائی این موجود است. ریش‌های شعاعی سفید به‌شکل پر شترمرغ و بال‌های متقارن با رنگ‌های آبی و قرمز، نشان‌دهنده قدرت‌های متضاد و ویژگی‌های دوگانه دایة الأرض هستند. این ویژگی‌های بصری، به روایات اهل سنت مربوط می‌شوند. پوشش قرمز این موجود نماد قدرت است؛ درحالی‌که پایین‌تنه آن که از برگ‌های سبز خاکی تشکیل شده، به‌طور نمادین دامن را تداعی می‌کند. این نگاره، دایة الأرض را به‌طور پیچیده‌ای با ترکیب نمادهای مذهبی و ویژگی‌های اسطوره‌ای به تصویر می‌کشد و تأثیرات فرهنگی و دینی شیعه و اهل سنت را در کنار هم نشان می‌دهد. جزئیات این نگاره در جدول ۵ قابل مشاهده است.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، تصویر ۴ نیز به فالنامه تویقایی سرای تعلق دارد. دایة الأرض در این نگاره ترکیبی از ویژگی‌های انسانی و غیرانسانی را دارد؛ چهره‌ای انسان‌نما با پوست روشن، صورت گرد و ابروهای پیوسته و چشمانی خیره، حسی از رمزآلودگی و قدرت را نشان می‌دهد. این موجود کلاهی آبی بر سر دارد موهای بلند مشکی از دو سوی سر پیچ خورده‌اند. تاج برگرفته از برگ‌های طلایی است که نشانه ارتباط ماورائی است. ریش‌های شعاعی سفید زیر گلو به‌شکل پر شترمرغ ترسیم شده‌اند.

جدول ۵. مشخصات نگاره دایة الأرض از فالنامه کتابخانه تویقایی براساس متون شیعی و اهل سنت (نگارندگان، ۱۴۰۴)

جزئیات بصری و نمادین نگاره			شیعی	سنی
چهره‌ای انسان‌نما با پوستی روشن، صورت گرد و سفید با ابروهای پیوسته و چشمانی خیره، حسی از رمزآلودگی و قدرت را نشان می‌دهد. این موجود کلاهی آبی بر سر دارد موهای بلند مشکی از دو سوی سر پیچ خورده‌اند. تاج برگرفته از برگ‌های طلایی است که نشانه ارتباط ماورائی است. ریش‌های شعاعی سفید زیر گلو به‌شکل پر شترمرغ ترسیم شده‌اند.	سر و صورت		-	*
	بدن	بال‌های متقارن از دو رنگ آبی و قرمز تشکیل شده‌اند؛ این رنگ‌بندی احتمالاً نمادی از قدرت‌های متضاد با ویژگی‌های دوگانه شخصیت است. جزئیات دقیق پرها همراه سایه‌ها نشان‌دهنده دقت هنرمند در ارائه عظمت و ویژگی‌های فرازمینی این موجود است. پوشش بدن با لباسی ساده به رنگ قرمز است که نماد قدرت است. پایین‌تنه برگرفته از برگ‌های سبز خاکستری است که تداعی‌کننده دامن است. دم این موجود نمایان نیست؛ اما پاهایی که از پره‌های قرمز تشکیل شده‌اند، تضادی میان زیبایی و تهدید ایجاد می‌کنند.	-	*
	زیورآلات	کمربندی مشکی با سه گل برجسته و طلایی	-	-
در دست راست دایة الأرض، عصای حضرت موسی دیده می‌شود که نمایان‌گر ابزار هدایت مؤمنان است. در دست چپ دایة الأرض، انگشتر سلیمان بالا رفته است که به جداکردن مؤمنان از کافران اشاره دارد.	عصا		*	*
	انگشتر		*	*
هرچند کمی رنگ تیره در پس‌زمینه به‌عنوان کوه یا تپه دیده می‌شود که احتمالاً نیمه‌تمام مانده یا از بین رفته است؛ اما به‌طور کلی این اثر فاقد پس‌زمینه و جزئیات محیطی است.	طبیعت			

غنی، تزیینات پر جزئیات، و زبان بصری پیچیده و چندصدایی دوره صفوی، جایگاهی ویژه و معناشناختی یافته‌اند. برای مقایسه تطبیقی و دقیق چهار نگاره از دایة الأرض موجود در فال‌نامه‌های دوره صفوی، با توجه به روایات شیعه و اهل سنت، می‌توان ویژگی‌های بصری و نمادین هر تصویر را یک‌پارچه در جدول ۶ گرد آورد. در این جدول، تلاش شده است عناصر کلیدی، از جمله ساختار ظاهری، نمادهای دینی، موجودات همراه و دلالت‌های پس‌زمینه‌ای در دو محور «روایت شیعی» و «روایت اهل سنت» مورد بررسی تطبیقی قرار گیرند.

جدول ۶. تطبیق ویژگی‌های بصری و نمادین نگاره‌های دایة الأرض در فال‌نامه‌های دوره صفوی براساس روایات شیعه و اهل سنت (نگارندگان، ۱۴۰۴)

مطابق با روایات اهل سنت	مطابق با روایات شیعه	ویژگی‌ها	محل نگهداری تصویر	تصویر
تضاد جسمانی، نمادهای خیر و شر، موجودات ترسناک	عصا و انگشتر، موجودات حیرت‌زده، نمادهای داوری قیامت	ظاهر ترکیبی انسان- حیوان؛ بدن پلنگ‌سان، گردن شتر، بال‌های متقارن سرخ و آبی، پرهای شانه، دم باریک؛ پیکره‌های وارونه، گرازهای ترسناک، موجودات دهان‌به‌دست	فالنامه درسدن (آلمان)، تصویر ۱	
شمایل اهریمنی، ازدها، ظاهر اسطوره‌ای و تهدیدآمیز	عصا و انگشتر در دستان دایه	بدن ببری، شاخ‌های طلایی، زنگوله، گوشواره، گردنبند ازدها، سیل پیچیده، دندان‌های زوبین‌مانند	فالنامه سلطان احمد اول، توپقایی، تصویر ۲	
ساختار حیوانی، موجودات حیرت‌زده، هیئت رعب‌آور	ذکر صریح امام مهدی، عصا و انگشتر، نقش داوری و عدالت نهایی	بدن خالدار، گردن شتر، بال‌ها، دم طاووس، موجودات انگشت‌به‌دهان، کتیبه‌ای درباره امام‌زمان (عج)	فالنامه کتابخانه توپقایی، تصویر ۳	
ظاهر مرموز، ترکیب زیبایی و تهدید، ساختار بصری مرتبط با روایت اهل سنت	عصا و انگشتر، چهره‌ای قدسی - ماورائی	صورت انسان‌نما، پایین تنه پر و پشم، کلاه آبی، تاج برگ طلا، بال‌های متقارن، ریش پرشترمرغی	فالنامه کتابخانه توپقایی، تصویر ۴	

نتیجه

فالنامه‌های دوره صفوی در بستری از باورهای دینی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و علاوه بر تأثیرپذیری از گرایش‌های عرفانی و اعتقادی زمان خود، به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به حکومت صفویان و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی مردم نیز به کار رفته‌اند. نگاره‌های پیچیده و نمادین این آثار، علاوه بر بازتاب سنت‌های تصویری ایرانی، تأثیرات فرهنگی گسترده‌تری را نیز نشان می‌دهند. بررسی بازنمایی دایة‌الأرض در نگاره‌های این دوره حاکی از آن است که این موجود با ترکیبی از ویژگی‌های انسانی و حیوانی، به تصویر کشیده شده است. این بازنمایی نه تنها با باورهای شیعی و احادیث مرتبط با قیامت همخوانی دارد؛ بلکه مشابهت‌هایی با روایات اهل سنت نیز در آن مشاهده می‌شود. با این حال، تفاوت‌های اساسی در تفسیر این موجود، میان منابع شیعه و اهل سنت دیده می‌شود؛ در حالی که منابع شیعی آن را بیشتر با حضرت علی (ع) و مفاهیم معنوی مرتبط می‌دانند، روایات اهل سنت توصیف‌های اسطوره‌ای و خیالی‌تری از آن ارائه کرده‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز نگاره‌های موجود در فالنامه‌های صفوی، بازنمایی دایة‌الأرض با نمادهای خاصی همچون عصای موسی و انگشتر سلیمان است؛ در هر دو، روایت شیعه و اهل سنت درباره دایة‌الأرض ذکر شده‌اند و نقش مهمی در توصیف ویژگی‌ها و قدرت این موجود دارند. این دو ابزار، به ویژه در متون روایی اسلامی به عنوان نشانه‌هایی از قدرت‌های الهی و ابزارهای هدایت و جداسازی مؤمنان از کافران به کار رفته‌اند.

نکته مهم آن است که به جز این دو نماد، سایر جنبه‌های تصویری نگاره‌های صفوی، از روایات اهل سنت برگرفته شده‌اند. این تصویرسازی‌ها که دایة‌الأرض را با ترکیبی از ویژگی‌های انسانی و حیوانی نشان می‌دهند، به روایت‌های اسطوره‌ای و خیالی نزدیک‌تر هستند و تأثیرپذیری از منابع غیرشیعی را نشان می‌دهند. درواقع، درحالی که مفاهیم نمادین عصا و انگشتر متأثر از تفاسیر شیعی هستند، شکل ظاهری و عناصر بصری مرتبط با دایة‌الأرض در نگاره‌های صفوی، بیشتر از روایات اهل سنت الهام گرفته شده است. یکی از نمونه‌های جالب توجه در این میان، کتیبه‌ای است که در برخی نگاره‌ها دیده می‌شود و مستقیماً به امام‌زمان (عج) اشاره دارد. این کتیبه نماد شیعی را در میان سایر ویژگی‌های

اسطوره‌ای و تصویری که بیشتر متأثر از منابع اهل سنت هستند، به وضوح نشان می‌دهد. درمجموع، فالنامه‌های صفوی را می‌توان اسنادی ارزشمند در تاریخ فرهنگی و دینی ایران دانست که نگرش‌های اعتقادی و هنری آن دوره را بازتاب می‌دهند. این آثار نشان‌دهنده تلفیق روایت‌های دینی با فرهنگ تصویری ایران در دوره صفوی هستند؛ به گونه‌ای که در آن‌ها مفاهیم شیعی از طریق نمادپردازی مذهبی به تصویر کشیده شده‌اند؛ اما بسیاری از عناصر بصری و اسطوره‌ای تحت تأثیر روایات اهل سنت شکل گرفته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- Grottesque: گروتسک یا عجایب‌پردازی، در اصل به نوعی تزئین دیواری اطلاق می‌شود که از سردابه‌ها و بناهای زیرزمینی رم باستان (موسوم به گروتو) کشف شد. این شیوه شامل تلفیق خیال‌پردازانه چهره انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و عناصر طبیعی در ترکیب‌هایی متقارن و پیچیده بود. واژه گروتسک در سده شانزدهم میلادی رواج یافت و به مرور در هنرهایی چون مجسمه‌سازی برای اشاره به اشکال اغراق‌آمیز، نامتعارف، مضحک یا گاه ترسناک به کار رفت. در هنر ایران، نمونه‌هایی از این شیوه را می‌توان در آثار نگارگری محمد سیاه‌قلم دید که با ترکیب موجودات خیالی و چهره‌های انسان‌وار، فضایی وهم‌گونه و گروتسک‌آمیز خلق کرده است (پاکباز، ۱۳۸۵: ۴۴۶).

منابع و ماخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
- آژند، یعقوب (۱۳۷۹). «شکل‌گیری شیوه صفوی: مکتب تبریز، قزوین». در مجموعه مقالات سایه طوبی، تهران: موزه هنرهای معاصر.
- آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود (۱۴۱۵ ق.). روح المعانی فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق.). تفسیر قرآن العظیم. عربستان: نزار مصطفی الباز.
- اردبیلی، ابن بزاز (۱۳۷۳). صفوة الصفا: در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی. به تصحیح و مقدمه غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بی‌نا.

- سیدقطب، قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. قاهره: دارالشروق.

- سیوری، راجر (۱۳۸۹). *ایران عصر صفوی*. مترجم: کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

- جلال الدین السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد (بی تا). *الدر المنثور*. بیروت، لبنان: دارالفکر.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- شیخ کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۰). *اصول کافی*. جلد نخست، مترجم: شیخ محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسوه.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان*. لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق.). *تفسیر طبری (جامع البیان)*. بیروت: دارالمعرفة.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱). *کتاب الغیبه*. به تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری و بهزاد جعفری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- عصار کاشانی، الهام (۱۳۹۳). «تأثیر تفکر شیعی بر فالنامه‌های مصور دوره اول صفوی». *پایان نامه دکترا*، تهران: دانشگاه الزهرا.

- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق.). *تفسیر القمی*. جلد نخست، قم: دارالکتاب.

- کوربن، هانری؛ استرلین، هانری (۱۳۷۷). *اصفهان، تصویری از بهشت*. مترجم: جمشید ارجمند، تهران: فرزانه روز.

- گلسترخی، ایرج (۱۳۷۷). *تاریخ جادوگری*. تهران: علم.

- لاهیجی، قطب الدین (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. به تصحیح جلال الدین محدث، تهران: داد.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۶ق.). *بحار الانوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲). *تفسیر نمونه*. جلد پانزدهم، قم: دارالکتب الاسلامیه.

- اسپناچچی پاشازاده، محمدعارف (۱۳۷۹). *انقلاب الاسلام بین الخواص والعوام*. به تصحیح رسول جعفریان. قم: دلیل.

- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق.). *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی ایران.

- افشار، ایرج (۱۳۸۳). «*فالنامه*». *فرهنگ مردم*، شماره ۱۰، صص ۷۶-۸۱.

- بوذری نژاد، یحیی؛ ایران پور، حسین (۱۴۰۱). «پیامدهای سیاسی و اجتماعی ظهور جریان اخباری گری در دوره صفویه». *پژوهش های ایران شناسی*، دوره دوازدهم، شماره ۱، صص ۴۵-۶۷.

- پاکباز، رویین (۱۳۸۵). *دایرة المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.

- پوراکبر، آرش (۱۳۹۶). *فالنامه شاه طهماسبی*. تهران: فرهنگستان هنر.

- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*. به تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

- ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۴۲ق.). *الکشف و البیان*. بیروت: دارالاحیاء تراث العربی.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. جلد یازدهم، تهران: دانشگاه تهران.

- ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۶ق.). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. بیروت: دارالاحیاء الکتب العلمیه.

- رازی، حسین بن علی ابوالفتوح (۱۴۰۸ق.). *روح الجنان و روح الجنان*. مشهد: آستان قدس رضوی.

- رحیم لو، عباس؛ طیب حسینی، سید محمود؛ آقایی زاده ترابی، احمد (۱۴۰۱). «واکاوی مصداق "دأبه" در آیه ۸۲ نمل برپایه شیوه زبانی تجرید». *مطالعات قرآنی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱، صص ۱۱۱-۱۳۴.

- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۹). *ازدها در اساطیر ایران*. تهران: توس.

- زاهدی فر، سیفعلی؛ رضایی کهنمویی، علی؛ اللهیاری نژاد، مریم (۱۳۹۴). «بررسی و نقد روایات اهل سنت درباره دابة الارض». *مشرق موعود*، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۷۱-۱۰۶.

- سیپک، ییری (۱۳۹۳). *ادبیات فولکلور ایران*. مترجم: محمد اخگری، تهران: سروش و مرکز.

- مهدی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۹). *فالنامه تهماسبی*. تهران: *سوره مهر*.
- واحد دهکردی و دیگران (۱۴۰۲). «تحلیل گروتسک در نگاره دایة الأرض فالنامه‌ها براساس رویکرد باختین». *باغ نظر*، دوره بیستم، شماره ۱۱۹، صص. ۳۹-۴۸.
- De La Perrière, Eloïse Brac. (2016). Manuscripts in Bihari Calligraphy: Preliminary Remarks on a Little-Known Corpus. *Muqarnas*, 33: 63–90.
- Falk, Toby. (1985). *Treasures of Islam*. Bristol, Avon, England.
- Farhad, Massumeh & Bagci, Serpil. (2010). *Falnama: The Book of Omens*. USA: Thames & Hudson.
- Parikh, Rachel. (2022). *The Khalili Fālnāmah*. London: The Nour Foundation in association with Azimuth Editions.
- URL1: <https://digital.slub-dresden.de/werkansicht/dlf/102391/55> (Access Date 02/04/2025).

Analysis of the Dabeh-al-Ard Images in the Safavid Falnameh Manuscripts from a Historical Perspective

Nahid Jafari Dehkordi¹, Bagher Mokhtai Dezaki²

1- Assistant Professor, Handicrafts Department, Faculty of Arts and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)

DOI: 10.22077/NIA.2025.9066.1931

Abstract

In the Safavid era, especially during the reign of Shah Tahmasp, Falnamehs were used as a tool for prophecy and inspiration from the future and played an important role in the connection of religion, politics, and popular culture. These images not only conveyed religious messages, but also helped to predict the future and understand fate. Dabeh-al-Ard, as one of the signs of the Last Judgment in Islam, is depicted in a cryptic and complex manner in the early Safavid era paintings. The aim of this research is to identify the concepts and symbols present in the Dabeh-al-Ard images in the Safavid Falnamehs and the question is raised: "What concepts do the Dabeh-al-Ard images in the Safavid Falnameh Manuscripts reflect?" Accordingly, the authors are attempting to examine four images of Dābbat al-Ard from the illustrated fortune-telling books of Shah Tahmasp Safavi's era in the light of qualitative studies through documentary studies. The research method is also based on the analysis of the visual and textual content of these works, which focuses in particular on the relationship between religious and mythological symbols in the religiosity of the visual culture of the Safavid era. The findings show that in these works, Dābbat al-Ard is depicted as a being with human and animal characteristics and symbols such as the staff of Moses and the ring of Solomon, which are attributed to this being based on Shiite narrations. In other words, the image of Dābbat al-Ard in these works is a reflection of the combination of Shiite and Sunni beliefs, especially during the era of the growth and power of Akhbarism in contrast to Shiite rationalism. These symbols, along with other visual features in the images, which are mostly influenced by Sunni narrations, present an image of the religious and social threats and concerns of that time.

Key words: Safavid era, Falnameh, Shiite and Sunni narrations, End of Time, Dābbat al-Ard image.

1- Email: Nahid.Jafari@sku.ac.ir

2- Email: Bagher.mokhtari@sku.ac.ir